

بررسی کمی جایگاه بخش خدمات و زیربخش‌های آن در اقتصاد ایران

علی اصغر بانویی*

فرشاد مومنی**

سید ایمان آزاد***

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۲/۱۹

چکیده

هر چند که نگاه به بخش خدمات در فرآیند توسعه متفاوت است، اما در حال حاضر بخش غالب اقتصاد جهانی را بخش خدمات تشکیل می‌دهد. با وجود سهم بسیار بالای بخش خدمات در اقتصاد ایران، بخش مذکور به عنوان یک بخش غیرمولد توسط سیاست‌گذاران و برخی از پژوهشگران تلقی می‌گردد. به نظر می‌رسد که این نوع برداشتها در خصوص بخش خدمات نمی‌تواند تصویر واقع بینانه‌ای از نقش و اهمیت این بخش را در شرایط تحولات اقتصادی بدست دهد. یکی از وجوه تبیین قلمرو این بخش، طبقه‌بندی جدیدی است که اخیراً مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

در این مقاله ضمن طبقه‌بندی قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات به: خدمات تولیدی، خدمات توزیعی، خدمات اجتماعی و خدمات شخصی (خانگی)، اهمیت هر یک از آنها در قالب تحلیل ایستای مقایسه‌ای حساب‌های ملی مرکز آمار ایران (دوره زمانی ۱۳۵۸-۱۳۴۰) در شش دوره مشخص مورد کنکاش قرار می‌گیرند. اما از آنجا که این نوع تحلیل‌ها قابلیت تبیین آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات را در ساختار اقتصاد ندارند، از الگوی ایستای جدول داده‌سنانده سال ۱۳۸۰ بر حسب پیوندهای سنتی و نوین استفاده می‌گردد.

نتایج به طور کلی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران از دوره پنجم (۱۳۸۳-۱۳۷۶) به شکل صوری وارد فاز سوم توسعه یعنی اقتصاد خدمات شده است. اما تغییرات ساختاری در زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات تصویر متفاوتی را در دوره‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، بدین معنی که بخش خدمات توزیعی در تمامی دوره‌ها به جز دوره دوم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) و سوم (۱۳۶۷-۱۳۵۷) که نقش خدمات اجتماعی بیشتر است، نقش مسلط را در میان زیربخش‌های بخش خدمات در تولید کل اقتصاد ایران دارد.

در مقایسه با رویکرد سنتی پیوندهای پسین و پیشین که صنعت محوری اقتصاد را آشکار می‌کند، رویکرد نوین خدمات محور بوده به طوری که که بخش‌های خدماتی، خدمات توزیعی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل جاده‌ای)، خدمات تولیدی (بانک) و خدمات شخصی (تعمیر و وسائل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی) در زمره بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: بخش سوم، خدمات توزیعی، خدمات تولیدی، خدمات شخصی، خدمات اجتماعی، رویکردهای سنتی و نوین.

* دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

** دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

*** کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

هر چند ادبیات موجود نشان می دهند که یک تعریف متعارف، استاندارد و قابل قبولی از بخش خدمات وجود ندارد، با این حال اقتصاددانانی از اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی به بعد مثل کلارک، فیشر، چنری و سپس کوزنتس سعی کردند با تبیین ساختار اقتصاد در قالب بخش های عمده اقتصادی، بخش اول^۱ (کشاورزی و معدن) و بخش دوم^۲ (صنعت و ساختمان، و تأمین آب، برق، گاز) و بخش سوم^۳ (خدمات)، تغییرات ساختاری را بر مبنای "نظریه مرحله ای توسعه"^۴ مورد سنجش قرار دهند (پارک و چان، ۲۰۱-۲: ۱۹۸۹). در چارچوب این نوع تحلیل ها، بخش خدمات و فعالیت های مرتبط به آن تا مدت ها به صورت پسماند در نظر گرفته می شد. یعنی اینکه، آن دسته از فعالیت هایی که خصوصیات فعالیت های بخش اول و بخش دوم را نداشته اند، به عنوان خدمات در بخش خدمات در نظر گرفته می شدند (دانیلز، ۱۱۵: ۲۰۰۴). به علت تحولات اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۷۰ و به ویژه دهه ۱۹۸۰ میلادی مانند شوک نفتی و ظهور اصطلاحات جدید نظیر: اقتصاد خدمات، صنعت زدایی یا صنعتی شدن مجدد، پسا صنعتی شدن و اقتصاد اطلاعات؛ بستر اصلاحات طبقه بندی سه گانه از نوع فیشر کلارک، چنری و کوزنس را در خصوص تغییرات ساختاری فراهم نمود.

برای نمونه، اقتصاد دانانی مثل کاتوزیان^۵ (۱۹۷۰)، گرشانی و میلز^۶ (۱۹۸۳)، پارک و چان^۷ (۱۹۸۹) و میلز و بودن^۸ (۲۰۰۰) سعی کردند، نقش و اهمیت بخش سوم را در طبقه بندی و تبیین زیربخش های بخش خدمات در قالب تعاریف مختلف مثل خدمات تولیدی^۹، خدمات توزیعی^۱، خدمات اجتماعی^{۱۱} و خدمات شخصی^{۱۲} و یا به صورت خدمات نوین، خدمات قدیم و خدمات مکمل؛ خدمات دانش و خدمات اطلاعات مطرح نمایند. هدف اصلی از این طبقه بندی ها، تفکیک همه فعالیت های متنوع و با کارکردهای متفاوتی بود که با یک عنوان کلی "خدمات" مورد خطاب قرار می گرفت و سنجش سطوح توسعه با توجه به تحولات اقتصاد جهانی را با اختلال مواجه می ساخت.

از منظر سیر تاریخی تحولات ساختار اقتصاد جهانی از تمدن های نخستین تا انقلاب صنعتی این بخش کشاورزی بود که سهم عمده ای در تولید ناخالص داخلی و ملی کشورها و همچنین در سطح جهانی داشت، ولی بعد از انقلاب صنعتی این بخش صنعت بود که جای بخش کشاورزی را در GDP کشورهای پیشرفته جهان گرفت تا اینکه از دهه ۱۹۶۰ به بعد این انتقال اقتصادی در بخش خدمات متمرکز گردید، به طوری که امروزه بخش خدمات در سراسر جهان سهم بالاتری از دو بخش دیگر در تولید ناخالص داخلی دارد. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۱ میلادی بخش خدمات ۶۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص

می‌دهد در حالی که این سهم در سال ۱۹۹۰ تنها ۶۰ درصد بوده است (سینگ، ۷۷: ۲۰۰۶). این نوع روند بیشتر در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌گردد و حال آنکه، در کشورهای در حال توسعه بدون طی کردن فرآیندهایی که در تجربه کشورهای صنعتی مشاهده شد، بخش خدمات در دهه‌های اخیر از یک روند صعودی برخوردار بوده است و سهم عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی را ارزش افزوده بخش خدمات تشکیل می‌دهد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳: ۹۵). وضعیت اقتصاد ایران نیز از این امر مستثنی نیست. سهم بخش خدمات [در تولید ناخالص داخلی و اشتغال]^{۱۳} از بخش‌های دیگر اقتصاد همواره بالاتر بوده است. به دلیل ساختار مسلط دلالی، نگرش تصمیم‌گیران نسبت به این بخش همواره منفی بوده، در حالی که این بخش در حال حاضر در دنیا، یکی از بخش‌های مولد و سودآور می‌باشد و بخش خدمات می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در اصلاح سیستم اقتصادی کشور ایفا نماید (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳: ۴۳۵).

عبارت فوق دوگانگی نگاه موجود را در خصوص بخش خدمات در اقتصاد ایران آشکار می‌کند. از یک طرف، نه فقط دیدگاه مثبتی نسبت به این سهم بالای بخش خدمات در نزد سیاست‌گذاران کشور وجود ندارد و به طور کلی به آن به دید یک بخش غیر مولد نگاه می‌شود، بلکه همچنین نقش و اهمیت بخش مذکور در ادبیات توسعه اقتصاد ایران نیز مورد بی‌مهری قرار گرفته و عدم تفکیک بخش خدمات به انواع متفاوت، الزامات سیاست‌گذاری متناسب را بی‌معنی ساخته است و به نظر می‌رسد این نوع برداشت در خصوص بخش خدمات با توجه به طبقه‌بندی و تعاریف و مفاهیم جدید آن، نمی‌تواند تصویر واقعی از عملکرد فعالیت‌های مختلف این بخش را در شرایط تحولات اقتصادی بدست دهد و حداقل دو اشکال ایجاد شده است: نخست، سوء تفاهم‌هایی از جهت شباهت صوری روندها با کشورهای صنعتی ایجاد کرده و دوم، همه انواع خدمات به یک چوب رانده شده‌اند.

از طرف دیگر، نگاه مولد و سودآور که از مصادیق بارز آن توجه به مباحث اقتصاد دانایی محور در برنامه چهارم توسعه ایران است. تبیین مولد و سودآور بودن بخش خدمات در صورتی امکان‌پذیر است که تعاریف، مفاهیم و طبقه‌بندی جدیدی از بخش مذکور ارائه گردد تا بتواند زبان مشترک با تحولات اقتصاد جهانی و به ویژه پسا صنعتی شدن و اقتصاد اطلاعات داشته باشد.

بررسی این ابعاد بدون ارائه طبقه‌بندی جدید از بخش خدمات به آسانی امکان‌پذیر نیست. برای این منظور قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات به چهار زیر بخش خدمات تولیدی، خدمات توزیعی، خدمات شخصی و خدمات اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردد. هدف اصلی از

این نوع طبقه‌بندی تبیین اهمیت هر یک از زیربخش‌های مذکور در روند تغییرات ساختاری می‌باشد. بررسی این ابعاد محورهای اساسی مقاله تشکیل می‌دهد. برای این منظور محتوای مقاله در پنج بخش سازماندهی می‌گردد. در بخش اول جنبه‌های تاریخی، نظری و تعاریف و مفاهیم جدید از بخش خدمات و طبقه‌بندی‌های آن ارائه می‌شود. در بخش دوم به بررسی بخش خدمات اقتصاد ایران در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۴۰ بر اساس آمار حساب‌های ملی مرکز آمار ایران در قالب تحلیل ایستای مقایسه‌ای می‌پردازیم. در بخش سوم روش‌شناسی مختصری از پیوندهای پسین و پیشین در قالب رویکرد سنتی و نوین و پایه‌های آماری برای تحلیل ایستای بخش سوم و زیربخش‌های آن بر اساس جدول داده‌ستانده سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران بیان می‌گردد. در بخش چهارم نتایج حاصله و تحلیل‌های آن و در بخش پنجم نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌گردد.

۱- جنبه‌های تاریخی، نظری و تعاریف، مفاهیم و طبقه‌بندی‌های جدید از بخش خدمات در سیر تاریخی تحولات ساختاری اقتصاد از تمدن‌های اولیه تا اواخر قرن هفدهم میلادی اهمیت چندانی به بخش خدمات (تجارت، حمل و نقل، بانکداری و...) و بخش صنعت داده نمی‌شد و بخش کشاورزی سهم عمده‌ای در تولید کل جوامع ایفا می‌کرد. آدام اسمیت (۱۷۷۶) هر چند در کتاب خود "ثروت ملل" به اهمیت تقسیم کار (تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی) و تجارت آزاد و مولد بودن آن و وسعت بازار اشاره می‌کند، ولی با این حال مشاهده می‌گردد که وی واژه مولد و غیرمولد، و واقعی و غیرواقعی را در خصوص بخش مذکور مطرح می‌کند. اسمیت در مورد خدمت به تعریف عجیبی مبتنی بر دوام تولید معتقد بود. برای مثال به زعم او یک کار تعمیراتی، خدمتی واقعی بود زیرا چیزی را تولید می‌کرد که دوام و بقا داشت. ولی موسیقی‌دانان، افرادی تلقی نمی‌شدند که تولیدی را ارائه دهند، زیرا عملکرد آنها فقط در زمان اجرا لذت بخش بود (مایر و دیگران، ۱۰۰: ۱۳۷۰).

تادهه ۱۹۳۰ میلادی هم بیشتر اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک به مولد بودن فعالیت‌های بخش خدمات اعتراف داشتند، ولی اهمیت چندانی به آن نمی‌دادند. ظهور الگوی اقتصادکلان کینز^{۱۴} در دهه ۱۹۳۰ میلادی، افزایش تولید را با توجه به ظرفیت‌های خالی تولید در قالب سیاست‌های انبساطی مالی دولت پیشنهاد می‌کرد و اینکه کدامیک از بخش‌های اقتصادی می‌توانست نقش بیشتر را در افزایش تولید و کاهش ظرفیت‌های خالی ایفا نماید، مورد توجه وی قرار نگرفته بود. این خلأ توانست بستر تحلیل‌های مربوط به نقش و اهمیت بخش‌های اقتصادی را برای تحلیل‌گران بعدی فراهم نماید.

آلن جی بی فیشر (۱۹۳۳) در رساله مهم " سرمایه و رشد دانش " حدود بخش های اول، دوم و سوم را در ساختار اقتصاد مشخص می کند (کاتوزیان، ۳۶۳: ۱۹۷۰). کالین کلارک^{۱۵} نیز در ۱۹۴۰ در کتاب " شرایط پیشرفت اقتصادی " مشاهده می کند که " باگذشت زمان و به تبع آن پیشرفت اقتصادی، تعداد شاغلان در کشاورزی به نسبت تعداد افراد در صنایع رو به کاهش می گراید، و تعداد افراد شاغل در صنایع به نوبه خود نسبت به افراد شاغل در خدمات تقلیل می یابد " (مایر و دیگران، ۱۱۳: ۱۳۷۰). همچنین وی در این اثر رهگشای خود برای نخستین بار فعالیت های اقتصاد را به سه بخش اول (کشاورزی، جنگل داری، ماهی گیری و استخراج معدن)، بخش دوم (فعالیت های عمدتاً صنعتی) و بخش سوم (فعالیت های خدمات) تقسیم کرد و هر اقتصادی را آمیزه ای از این سه بخش دانست (بل، ۴۱: ۱۳۸۲). بنابراین، تقسیم بندی بخش های عمده اقتصادی به اول و دوم و سوم (خدمات) به نظریه " فیشر کلارک " و یا " نظریه مرحله ای توسعه " معروف شد^{۱۶}. همچنین هولیس. بی. چنری (۱۹۶۰) نیز به تغییر سهم کشاورزی، صنعت و خدمات در اقتصاد و اهمیت آن در عرضه عوامل اقتصادی اشاره می کند (کاتوزیان، ۳۶۳: ۱۹۷۰). کوزنتس^{۱۷} (۱۹۶۵) در کتاب " رشد نوین اقتصادی " بیان می کند: " در دوران رشد نوین اقتصادی شاهد تحولات ساختاری در اقتصاد بودیم، به طوری که به تدریج از اهمیت نسبی بخش کشاورزی کاسته شده و به طور همزمان به اهمیت بخش های صنعت و خدمات و در درجه اول صنعت افزوده شده است " (کوزنتس، ۹: ۱۳۷۲).

هرچند طی دهه های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ میلادی تلاش های دانشمندان مثل کلارک، فیشر، چنری و کوزنتس در جهت تکمیل نظریه مرحله ای توسعه سبب شد در کنار فعالیت های اولیه و ثانویه به فعالیت های خدمات توجه شود، ولی باز هم فعالیت های این بخش به شکل پسماند دیگر بخش ها در نظر گرفته شد. یعنی اینکه، آن دسته از فعالیت ها که خصوصیات فعالیت های بخش اول و دوم را نداشته باشند، به عنوان فعالیت های خدماتی در بخش سوم در نظر گرفته شد (میلز و بودن، ۳: ۲۰۰۰).

در طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی افزایش سهم بخش خدمات در تولید به یک پدیده متداول تبدیل شد و این افزایش فراتر از ابعاد توسعه صرفاً اقتصادی توسط دانشمندان علوم سیاسی، جامعه شناسان و جغرافی دانان مطرح شد و این سرآغاز ورود به عصر پسا صنعتی برای جوامع صنعتی غربی بود و وضعیت مشابهی در کشورهای توسعه یافته اروپای شرقی بوجود آمد (میلز و بودن، ۳: ۲۰۰۰).

با توجه به تحولات اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۷۰ میلادی و به ویژه تغییرات عمده در بخش

خدمات در دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، به نظر می‌رسد این نوع تحلیل‌ها دیگر نمی‌توانند نقش بخش خدمات و کارکردهای آن را به خوبی تبیین نمایند. برای این منظور، اقتصاددانان و به تبع آنها متخصصین آماری تعاریف و مفاهیم و همچنین طبقه‌بندی جدیدی به منظور بررسی کمی بخش خدمات و زیربخش‌های آن ارائه نموده‌اند. کاتوزیان در ۱۹۷۰ نگاهی جدید به بخش سوم می‌اندازد و ضمن ارائه تعاریف، مفاهیم و طبقه‌بندی جدید از فعالیت‌های بخش مذکور، تلاش می‌کند نقش و اهمیت آنها را از منظر تاریخی تغییرات ساختاری مورد کنکاش قرار دهد. از نظر او برای توسعه بخش خدمات با توجه به سطوح توسعه نیاز به بررسی الگوی توسعه بخشی، بخش مذکور و واکنش این الگو به تغییرات درآمد سرانه است. برای این منظور وی بخش سوم را در سه دسته خدمات جدید^{۱۸} و خدمات مکمل^{۱۹} و خدمات قدیم^{۲۰} بررسی نمود و سپس نقش و تغییرات تاریخی هر یک از آنها از قرن شانزدهم میلادی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی مورد بررسی قرار داد^{۲۱} (کاتوزیان، ۹-۳۶۵: ۱۹۷۰).

به عقیده برخی از پژوهشگران یکی از نتایج شوک نفتی ۱۹۷۳ میلادی ورود به عصر جدید به نام اقتصاد خدمات است و تغییراتی در فرآیند تولید ایجاد شد و جستجو برای کارایی، نوآوری و تحقیق و توسعه در تولید، مهندسی، امور مالی، حمل و نقل، توزیع و مصرف صورت گرفت. دیگر فرآیند فعالیت‌های خدمات کالای غیرتولیدی ایجاد نمی‌کند (کوما و ماتار، ۳۸: ۱۹۹۶). گرشانی و میلز در سال ۱۹۸۳ میلادی تلاش در طبقه‌بندی و تبیین زیربخش‌های بخش خدمات در قالب خدمات تولیدی، خدمات توزیعی، خدمات اجتماعی و خدمات شخصی کردند. هدف اصلی آنها از طبقه‌بندی بخش خدمات، سنجش سطوح توسعه با توجه به تحولات اقتصاد جهانی بوده است که بتوانند ارتباطات و پیوندهای بخش خدمات و صنعت را در جریان صنعتی شدن تجزیه و تحلیل کند.

از نظر آنها خدمات تولیدی شامل:

- ۱- امور مالی، بانکداری، اعتبارات و بیمه (خدمات واسطه‌گری‌های مالی)
 - ۲- خدمات حرفه‌ای: فعالیت‌های حقوقی، مهندسی و معماری (خدمات مستغلات، کرایه و فعالیت‌های کسب و کار)
 - ۳- سایر خدمات: نظافت، محافظت و نگهداری است.
- خدمات توزیعی شامل:
- ۱- حمل و نقل و انبارداری
 - ۲- ارتباطات
 - ۳- عمده فروشی و خرده فروشی (بازرگانی) است.

خدمات شخصی شامل:

- ۱- خدمات داخلی: خشک شویی و سلمانی
- ۲- هتل و رستوران و غذا خوری
- ۳- تعمیرات
- ۴- فعالیت‌های سرگرمی و تفریحی و پذیرائی.

خدمات اجتماعی شامل:

- ۱- بیمارستان، درمان و سلامتی
- ۲- آموزش
- ۳- رفاهی (تأمین اجتماعی)
- ۴- خدمات عمومی، قضائی و نظامی است.

گرشانی و میلز خدمات تولیدی، خدمات توزیعی و خدمات شخصی در قالب خدمات بازاری ۲۲ و خدمات اجتماعی را در قالب خدمات غیر بازاری ۲۳ می‌دانند (پارک وچان، ۲۰۱-۲: ۱۹۸۹). پارک و چان نیز در سال ۱۹۸۹ میلادی با استفاده تحلیل داده‌ستانده مطالعه تجربی بر روی این زیربخش‌های چهارگانه بخش سوم طبقه‌بندی شده توسط گرشانی و میلز انجام دادند و تحولات و ارتباطات این زیربخش‌ها را با بخش صنعت و زیربخش‌های آن با توجه به سطوح درآمد سرانه ۲۶ کشور در حال توسعه و پیشرفته در جریان صنعتی شدن را بررسی کردند. مطالعه آنها مزیت این طبقه‌بندی چهارگانه بخش سوم را در سنجش تحولات بین این بخش‌ها و صنعت در سطوح مختلف صنعت شدن کشورهای با سطوح درآمدی مختلف را نشان می‌دهد (پارک وچان، ۱۹۹: ۱۹۸۹). در پی مطالعات کلارک و کوزنتس بر روی تغییرات اشتغال بخش‌های اقتصادی و چگونگی تحولات سطوح توسعه و ساختار اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه، در دهه هشتاد میلادی مباحثی در مورد "صنعت زدایی" ۲۴ یا "صنعتی شدن مجدد" مطرح شد که در باب انتقال اقتصادی از بخش صنعت به بخش خدمات مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته بود ۲۵.

اهمیت نسبی بخش‌های مختلف اقتصادی است که ساختار کلی در هر اقتصادی را نشان می‌دهد. براساس تحولات سطوح توسعه و تغییرات ساختاری اقتصاد، در کشورهای توسعه یافته ابتدا سهم کشاورزی (فعالیت‌های اولیه) در تولید و اشتغال کل بالا بود که آن را می‌توان فاز اول توسعه دانست و سپس سهم صنعت افزایش یافته و سهم کشاورزی کاهش یافته است که آن فاز دوم توسعه است و از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی به بعد سهم بخش سوم (خدمات) در حال افزایش است و سهم بخش دوم در حال کاهش است که این

پدیده را صنعت زدایی گویند که آن فاز سوم توسعه است. پس در سه دهه اخیر در کشورهای توسعه یافته سهم بخش اول (کشاورزی و معدن) و سهم بخش دوم (صنعت، تأمین آب، برق و گاز و ساختمان) در حال کاهش است و سهم بخش سوم در حال افزایش است. ولی در دهه های اخیر در کشورهای در حال توسعه، چه کشورهای تازه صنعتی شده، چه کشورهای صادرکننده نفت، چه کشورهای کمتر توسعه یافته و دیگر کشورهای در حال توسعه، سهم بخش اول در حال کاهش و سهم بخش دوم و بخش سوم در حال افزایش است. با توجه به این نکته که رشد ارزش افزوده فعالیت های دوم و سوم در این گروه کشورها بیشتر از کشورهای توسعه یافته می باشد و بیانگر این واقعیت است که کشورهای در حال توسعه سریع تر از کشورهای پیشرفته در مسیر صنعتی شدن گام برداشته و فاصله خود را با آنها کاهش می دهند (سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۳: ۹۵).

بر مبنای مشاهده فوق، چنانچه طبقه بندی سه گانه فعالیت های اقتصادی (بخش های اول، دوم و سوم) کشورهای توسعه یافته را ملاک تجربه فازهای توسعه یعنی فاز اول، فاز دوم و فاز سوم توسعه در نظر بگیریم، مشاهده می گردد که فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه متفاوت از فازهای توسعه کشورهای توسعه یافته است. بدین معنی که کشورهای در حال توسعه بدون گذر از فاز دوم، وارد فاز سوم توسعه شده اند که برخی از مؤلفه های جوامع پسا صنعتی را دارا می باشند. اما تغییرات ساختار اقتصاد جوامع صنعتی در هنگام ورود به قرن بیست و یکم میلادی دو تحول مهم توسعه را نشان می دهد. از یک سو اقتصاد خدمات و جوامع پسا صنعتی که با گسترش وسیع بخش خدمات همراه است و سوی دیگر رشد تکنولوژی و نوآوری و اختراعات و دانش که به جامعه اطلاعاتی یا اقتصاد دانایی محور^{۶۲} معروف می باشد (میلز و بودن، ۱: ۲۰۰۰). که امروزه بخش چهارم (اطلاعات) می توان فضای ورود به فاز چهارم توسعه را در قالب رویکرد پسا صنعتی شدن و مؤلفه های آن به خوبی آشکار نماید. البته بررسی ابعاد مختلف اقتصاد اطلاعات، هر چند مهم است، خارج از حیطه این مقاله قرار می گیرد.

۲- بررسی بخش خدمات اقتصاد ایران در دوره زمانی ۸۵-۱۳۴۰

دامنه بررسی بخش خدمات در اقتصاد ایران ۵۰ سال اخیر می باشد زیرا که با تدوین حساب های ملی ایران و برنامه ریزی توسعه همراه بوده است^{۲۷}. پیش از این دوره، جامعه ما که اساساً جمعیت قابل توجهی به صورت شبانی یا به صورت سنتی کشاورزی زندگی کرده و فرهنگ متناسب با خود را دارا بوده است و آمار و اطلاعات دقیقی برای حساب های ملی،

اشتغال و غیره وجود نداشت. اما در پنج دهه گذشته اتفاقات بسیاری در جهت تغییر این بنیان‌ها صورت گرفته است (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

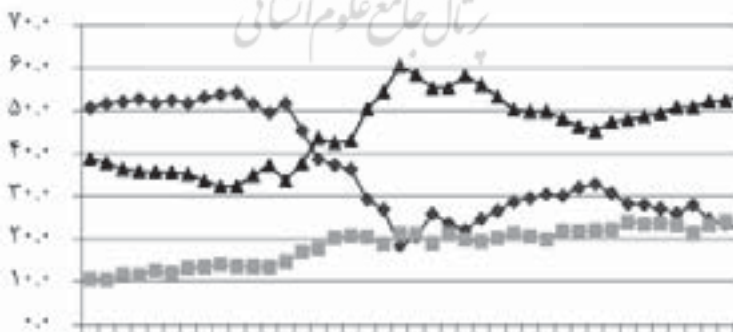
نمودار ۱ روند سهم ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی و نمودار ۲ سهم ارزش افزوده زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات و جدول ۱ متوسط سهم ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی کشور برحسب بخش‌های عمده اقتصادی و زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی را براساس حساب‌های ملی مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۴۰ نشان می‌دهند.

باتوجه به جدول ۱ و نمودارهای ۱ و ۲، روند تغییرات ساختاری بخش‌های سه‌گانه اقتصادی و زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات اقتصاد ایران را می‌توان بر مبنای مطالعات عظیمی (۱۳۸۳)، کاتوزیان (۱۳۷۴) و آزاد (۱۳۸۶) در شش دوره تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران بررسی نمود:

۱- دوره اول (۱۳۵۱-۱۳۴۰): می‌توان این دوره را دوره رشد نهادهای اقتصادی یا بازسازی بنامیم، این دوره که دو برنامه پنج ساله سوم و چهارم توسعه عمرانی به اجرا درآمد و با تحولاتی مثل انقلاب سفید و اصلاحات ارضی همراه شد. سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مانند: ساخت سد، ذوب‌آهن، نیروگاه، راه‌سازی و غیره، همراه شدن با جریان جهانی رشد و انباشت سرمایه فیزیکی و گذار از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ دوم جهانی از دیگر ویژگی‌های این دوره می‌باشد.

همانگونه که در نمودار یک هم ملاحظه می‌شود، در این دوره سهم ارزش افزوده بخش

نمودار ۱ - سهم ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی کشور برحسب بخش‌های عمده اقتصادی در محصول ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۴۰ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)



منبع: نتایج براساس حساب‌های ملی ایران دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۸۷-۱۳۸۶) و طبقه‌بندی بخش‌های عمده اقتصادی (آزاد ۱۳۸۶ ص ۵۷) استخراج شده است.

اول در GDP بالاتر از سهم دیگر بخش های عمده اقتصادی یعنی بخش های دوم و سوم است. متوسط سهم بخش ها در GDP عبارتند از بخش اول ۵۲/۱ درصد، بخش دوم ۱۲/۵ درصد و بخش سوم ۳۵/۴ درصد که با توجه به معیارهای که در بخش قبل اشاره شد، می توان گفت که ایران در این دوره در فاز اول توسعه قرار دارد.

همچنین در مورد زیربخش های بخش سوم (نمودار ۲) تا ۱۳۴۸ بخش خدمات توزیعی بیشترین اهمیت دارد ولی از آن سال به بعد بخش خدمات اجتماعی بالاترین سهم را در GDP و خود بخش خدمات دارد و آن به خاطر گسترش نقش دولت در خدمات است (آزاد، ۱۳۸۶: ۱۲).

۲- دوره دوم (۱۳۵۶-۱۳۵۲): این دوره را می توان دوره مصرف انبوه یا دوره افزایش درآمدهای نفتی نامید و از مهر سال ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) ایران با انفجار عایدی نفت روبرو شد. مصرف انبوه از ویژگی های کشورهای توسعه یافته است، اما در مورد ایران به خاطر عدم شکل گیری نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مناسب، این دوره سبب فقر بیشتر اقشار آسیب پذیر و رفاه بیشتر طبقه اشراف شد و سرانجام به بحران های اجتماعی منجر شد. منابع درآمد ایران در دوره مصرف انبوه (۱۳۵۶-۱۳۵۲) ناشی از فروش نفت بود، نه درآمدهای غیرنفتی و چون کشور نیز توان جذب ارز فراوان ناشی از افزایش قیمت نفت را نداشت، سبب واردات گسترده و نقدینگی بالا و تورم گشت و بحران اقتصادی شکل گرفت^{۲۸}. اینها از دلایل وقوع انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ بود.

در این دوره با افزایش سهم خدمات در GDP مواجه ایم. این افزایش در سهم بخش سوم از سال ۱۳۵۴ به بعد وقوع پیوست و دلیل آن هم تبعات انفجار عایدات نفت و گسترش نوعی خاصی از خدمات، بویژه واسطه گری ها در اقتصاد ایران است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۳۳). بدین گونه که افزایش ذخایر ارزی و واردات شدید مخصوصاً کالاهای مصرفی و سرمایه ای (تبعات انفجار عایدات نفت)، تأثیر مثبتی در ارزش افزوده بخش بازرگانی، حمل و نقل و انبارداری [خدمات توزیعی] و بنا برین بخش خدمات داشته است، اما خدمات اجتماعی بالاترین سهم در میان زیربخش های بخش خدمات در این دوره دارد. این دوره همواره با کاهش سهم بخش اول و افزایش سهم بخش دوم و بخش سوم همراه بوده است (آزاد، ۱۳۸۶: ۲۷).

۳- دوره سوم (۱۳۶۷-۱۳۵۷): این دوره انقلاب و جنگ تحمیلی ۸ ساله می باشد. در انقلاب، ایران وارد دوره ساختار سازی جهت جامعه آرمانی شد ولی قبل از اینکه آن را به جایی برساند، مسئله جنگ تحمیلی واقع شد. یکی از نکات قابل ذکر در مورد زیربخش های بخش خدمات در این دوره یک صعود قابل توجه در سهم ارزش افزوده بخش خدمات اجتماعی در طول سال های اول این دوره (سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲) است، این در نتیجه گسترش نقش دولت در

جدول ۱- متوسط سهم ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی کشور برحسب فعالیت های عمده اقتصادی و زیربخش های چهارگانه بخش خدمات در محصول ناخالص داخلی در دوره های منتخب

دوره	بخش	بخش اول	بخش دوم	بخش سوم	خدمات تولیدی	خدمات توزیعی	خدمات شخصی	خدمات اجتماعی
۱۳۴۰-۱۳۵۱	۵۲.۱	۱۲.۵	۳۵.۴	۲.۸	۱۸.۶	۱.۵	۱۲.۵	
۱۳۵۲-۱۳۵۶	۴۱.۸	۱۸.۱	۴۰.۱	۳.۹	۱۶.۵	۱.۶	۱۷.۹	
۱۳۵۷-۱۳۶۷	۲۵.۱	۲۰.۳	۵۴.۷	۸.۴	۲۱.۵	۲.۳	۲۲.۵	
۱۳۶۸-۱۳۷۵	۲۹.۸	۲۲.۳	۴۷.۸	۱۱.۷	۲۱.۱	۲.۲	۱۲.۸	
۱۳۷۶-۱۳۷۳	۲۳.۴	۲۳.۹	۵۲.۶	۱۴.۶	۲۴	۲.۳	۱۱.۸	
۱۳۸۴-۱۳۸۵	۱۹.۸	۲۵.۶	۵۴.۵	۱۴.۹	۲۷.۳	۲.۵	۹.۹	
۱۳۴۰-۱۳۸۵	۳۴.۳	۱۹.۲	۴۶.۵	۸.۴	۲۰.۸	۲	۱۵.۳	

منبع: نتایج بر اساس حساب های ملی ایران دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۸۷-۱۳۸۶) و طبقه بندی بخش های عمده اقتصادی و زیربخش های چهارگانه بخش خدمات (آزاد ۱۳۸۶ ص ۵۷ و ۶۲) استخراج شده است.

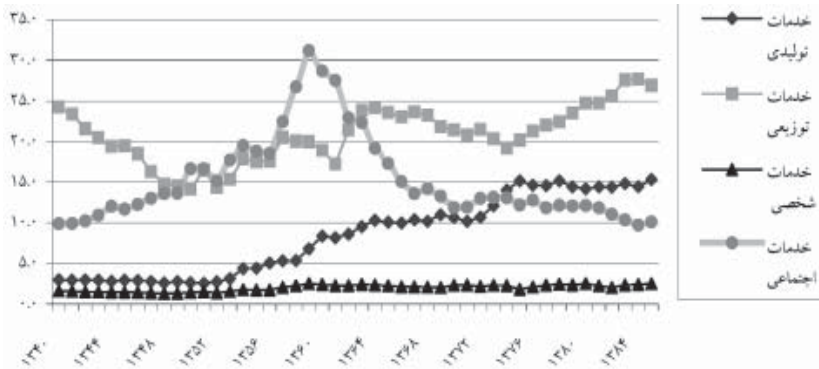
اقتصاد مخصوصاً در مورد تأمین اجتماعی و هزینه های بسیار بالای دفاعی و امنیتی در هنگام جنگ و گسترش آموزش و بهداشت عمومی و توسعه روستایی بود.

۷۳

۴- دوره چهارم (۱۳۶۸-۱۳۷۵): در این سال ها از نظر اندیشه ای تقریباً وارد دوره ای مشابه دوران سال های ۱۳۵۱-۱۳۴۰ شدیم و این اعتقاد وجود داشت که می توان با سرمایه گذاری وسیع امر راه سازی، کارخانه سازی، سدسازی و ... به توسعه رسید. برخی این عصر را به دلیل تلاش برای جبران خسارت های جنگ را عصر سازندگی نامیدند که بنظر اصطلاح "بازسازی" مناسب تر باشد. در این دوره به خاطر عدم توجه به نهادسازی با بحران هایی چون تضعیف وحشتناک ارزش پول ملی و پیامدهای آن و پروژه های ناتمام مواجه شدیم (عظیمی ۱۳۸۳: ۸-۱۰۶). در این دوره باز هم بخش سوم بالاترین سهم را در میان بخش های عمده اقتصادی دارد، ولی نسبت به روند خودش یک روند نزولی در سهم اش دارد، به طوری که متوسط سهم بخش اول به ۲۹/۸ درصد، بخش دوم ۲۲/۳ درصد و بخش سوم به ۴۷/۸ درصد می رسد. خدمات توزیعی نیز بالاترین سهم در میان زیربخش های خدمات و دیگر زیربخش های، بخش های عمده اقتصادی دارا می باشد (آزاد، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

۵- دوره پنجم (۱۳۷۶-۱۳۸۳): در این سال ها شعارهایی در جهت توسعه فرهنگی اجتماعی و شکل گیری جامعه مدنی مطرح شد که با مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش

نمودار ۲ - سهم ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی کشور برحسب زیربخش های چهارگانه بخش خدمات در محصول ناخالص داخلی در سال های ۱۳۸۵-۱۳۴۰ به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد)



منبع: نتایج براساس حساب های ملی ایران دوره ۱۳۸۵-۱۳۴۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۸۷-۱۳۸۶) و طبقه بندی زیربخش های چهارگانه بخش خدمات (آزاد ۱۳۸۶: ۶۲) استخراج شده است.

قیمت نفت در ۱۳۷۸ نیز مواجه شدیم (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در این دوره برای نخستین بار، سهم خدمات تولیدی در GDP از سهم خدمات اجتماعی در GDP بیشتر شده که یکی از دلایل آن می تواند گسترش فضای کسب و کار در این دوره باشد. در بررسی اخیر، بانوئی، مومنی و آزاد (۱۳۸۷) با استفاده از چارچوب جدول داده ستانده کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان، ایتالیا، ژاپن، ایران و هند به منظور سنجش جایگزینی بین خدمات تولیدی و خدمات توزیعی، مشاهده نمودند که با افزایش سطح توسعه یافتگی اهمیت خدمات تولیدی بیشتر از خدمات توزیعی در کشورهای پیشرفته است، حال آنکه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه (نظیر ایران و هند) دقیقاً عکس این مسئله مصداق دارد.

۶- دوره ششم (۱۳۸۵-۱۳۸۴): در این سال ها شعارهایی در جهت عدالت اجتماعی و اقتصادی مطرح شد. در این دوره بخش خدمات و زیر بخش های چهارگانه آن به روند خود ادامه داده اند.

در راستای توضیحات فوق می توان به مشاهدات کلی زیر رسید:

یک - با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شش دوره، مشاهده می گردد که به طور متوسط سهم بخش اول به کل ارزش افزوده از ۵۲/۱ درصد در دوره اول به ۱۹/۸ درصد در دوره ششم کاهش یافته است. عکس روند مذکور در مورد بخش دوم مشاهده می گردد، به طوری که متوسط سهم آن به کل ارزش افزوده از ۱۲/۵ درصد در دوره اول به ۲۵/۶ درصد افزایش یافته است. بنابراین مشاهده می گردد که متوسط کاهش سهم بخش اول بیش از

متوسط کاهش سهم بخش دوم است.

دو - متوسط سهم ارزش افزوده بخش سوم به کل ارزش افزوده اقتصاد از ۳۵/۴ درصد در دوره اول به ۵۴/۵ درصد در دوره ششم افزایش یافته است.

سه - اگر ملاک ۵۰ درصد متوسط سهم ارزش افزوده هر یک از بخش‌های سه‌گانه اقتصادی را به کل ارزش افزوده به عنوان یک معیار ورود اقتصاد به اقتصاد خدمات محور در نظر بگیریم، نتایج جدول یک نشان می‌دهند که اقتصاد ایران در دوره پنجم به صورت صوری وارد یک فاز جدید شده که امروزه به اقتصاد خدمات معروف است.^{۲۹}

چهار - دوره ۱۳۶۷-۱۳۵۷ با ۵۴/۷ درصد متوسط سهم بخش سوم، بالاترین سهم ارزش افزوده را نسبت به سایر دوره‌ها به خود اختصاص داده است. این سهم در دوره بعد کاهش و مجدداً در دوره‌های بعدی افزایش یافته است. دوره مذکور چه به لحاظ فضای انقلاب اسلامی و همچنین شرایط جنگی نسبت به سایر دوره‌ها مستثنی بوده و نمی‌تواند ورود به اقتصاد خدمات را نمایندگی نماید. یک علت می‌تواند تصمیمات سیاسی در تخصیص منابع باشد که موجب گسترش قلمرو فعالیت‌های بخش خدمات، به ویژه خدمات اجتماعی و خدمات توزیعی گردید.

پنج - چنانچه بخش سوم (خدمات) را در قالب زیربخش‌های چهارگانه مورد بررسی قرار دهیم، روند و کارکرد بخش خدمات در دوره‌های مورد بررسی شفاف‌تر می‌گردد. متوسط سهم خدمات توزیعی در کل اقتصاد و کل خدمات در کلیه دوره‌های مورد بررسی بیشتر از متوسط سهم خدمات تولیدی، خدمات شخصی و خدمات اجتماعی بوده، که مورد استثناء دوره‌های دوم و سوم است که متوسط خدمات اجتماعی در کل خدمات بیشتر از سهم سایر زیربخش‌های خدمات است. اینکه چرا خدمات اجتماعی بیشترین سهم را نسبت به سایر زیربخش‌های خدمات در دوره‌های مذکور به خود اختصاص داده است، به نظر نویسندگان این مقاله می‌تواند ناشی از دو دلیل باشد. نخست، شرایط ویژه فضای حاکم در دوره (افزایش ناگهانی درآمد نفت، وقوع انقلاب اسلامی و بعد شرایط جنگی) و دوم، توسعه و گسترش خدمات، به ویژه خدمات اجتماعی بستگی زیادی به عوامل سیاسی دارد که معمولاً خارج از سازو کار بازار قرار می‌گیرند.

۳- روش‌شناسی و پایه‌های آماری تحلیل ایستا

چون تحلیل ایستای مقایسه‌ای حساب‌های ملی نمی‌تواند آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم بخش خدمات و زیربخش‌های چهارگانه آن را در اقتصاد ایران نشان دهد، از تحلیل ایستای جدول آماری داده‌ستانده سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران استفاده می‌گردد که برای این

منظور، پیوندهای اقتصادی جدول فوق در قالب رویکرد سنتی و رویکرد نوین محاسبه می‌شود. در قالب رویکرد سنتی، بخش کلیدی، بخشی است که دارای بیشترین پیوندهای پیشین و پسین باشد و روش شناسی پیوندهای پسین بر اساس الگوی طرف تقاضای داده ستانده لئونتیف^{۳۰} و پیوندهای پیشین بر اساس الگوی طرف عرضه داده ستانده گش^{۳۱} است. رویکرد نوین، الگوهای می‌باشد که مبتنی بر روش حذف فرضی است و در این مقاله از روش دوم حذف، یعنی روش حذف سلا (سلا، ۷۵: ۱۹۸۴) در طرف تقاضا و روش حذف دیازنباخر و دیگران در طرف عرضه برای محاسبه پیوندهای کل (پسین یا پیشین) استفاده شده است^{۳۲} (دیزنباخر، وندرلیدن و استینج، ۱۹۱: ۱۹۹۳، دیازنباخر و وندرلیدن ۲۴۷: ۱۹۹۷).

در این مقاله از جدول مربع یا متقارن آماری داده ستانده سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران به قیمت جاری و دارای ۹۹ رشته فعالیت اقتصادی (۹۹ × ۹۹) بخش در بخش بر مبنای فرض تکنولوژی بخش (فعالیت) که بر اساس جداول اصلی جدول داده ستانده سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) یعنی جدول مصرف یا ماتریس جذب^{۳۳} ۱۴۷ × ۹۹ (۱۴۷ کالا در ۹۹ رشته فعالیت) و جدول عرضه یا ماتریس ساخت^{۳۴} ۱۴۷ × ۹۹ (۹۹ رشته فعالیت در ۱۴۷ کالا) توسط بانوئی و همکاران (۱۳۸۶) در قالب یک طرح تحقیقاتی در مرکز تحقیقات اقتصاد ایران دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی محاسبه شده، استفاده شده است.

۴- نتایج حاصله و تحلیل های آن

تحلیل های این بخش از مقاله بر مبنای طبقه بندی ترکیبی از طبقه بندی رایج مورد استفاده توسط برخی از تحلیل گران مانند فیشر (۱۹۳۳)، کلارک (۱۹۴۰)، چنری (۱۹۶۰ و ۱۹۸۶)، کوزنتس (۱۹۶۵)، گرشانی و میلز (۱۹۸۳) و پارک و چان (۱۹۸۹) می‌باشد. طبقه بندی بخش های عمده اقتصادی بر اساس تفکیک فعالیت های کل اقتصاد به سه بخش اول، دوم و خدمات بر مبنای طبقه بندی بخش های عمده اقتصادی بر اساس نظریه مرحله ای توسعه، فیشر، کلارک، چنری و کوزنتس انجام می‌گیرد (کاتوزیان، ۳۶۳: ۱۹۷۰) که فعالیت های بخش اول به گروه های کشاورزی و معدن شامل استخراج نفت خام و گاز طبیعی، بخش دوم به گروه های صنایع وابسته به کشاورزی، صنایع انرژی و اساسی و گروه زیربنایی شامل تأمین آب و برق و گاز و ساختمان طبقه بندی شده است (چنری و دیگران، ۱۱۳: ۱۹۸۶).

بخش خدمات نیز به زیربخش های چهارگانه خدمات تولیدی، خدمات توزیعی، خدمات شخصی و خدمات اجتماعی تفکیک شده است (پارک و چان، ۲-۲۰۱: ۱۹۸۹). جدول ۲ نتایج محاسبه پیوندهای پسین^{۵۳} و پیشین^{۶۳} در قالب رویکرد سنتی و نوین جدول داده ستانده

۹۹ بخشی سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران را نشان می‌دهد.

در رویکرد سنتی که اهمیت اندازه نسبی هر بخش بر حسب مبادلات واسطه‌ای بین بخشی و ماتریس ضرایب آن است و اندازه تقاضای نهایی و اندازه ارزش افزوده هر بخش به علت تحمیل وزن یکسان واحد عملاً خارج از حیطه سنجش اهمیت اندازه بخش‌ها قرار می‌گیرد، بخشی به عنوان بخش کلیدی شناخته می‌شود که هر دو پیوندهای پسین و پیشین نرمال شده^{۹۳} آن بیشتر از واحد (عملکرد متوسط اقتصاد) باشد. اگر معیار سنتی را مبنای سنجش بخش کلیدی در جدول داده‌ستانده ۹۹ بخشی قرار دهیم، مشاهده می‌گردد که ۲۰ بخش از ۹۹ بخش جدول ۲ در گروه بخش‌های کلیدی قرار می‌گیرند.

چنانچه این نتایج را بر مبنای بخش‌های سه‌گانه کل اقتصاد و زیربخش‌های آنها بررسی نماییم به مشاهدات کلی زیر خواهیم رسید^{۹۴}:

یک: نتایج به طور کلی صنعت محوری اقتصاد ایران را آشکار می‌کند. در میان زیربخش‌های بخش اول تنها سه بخش کلیدی و در بخش خدمات تنها یک بخش بر اساس این معیار در زمره بخش کلیدی می‌گیرند. یک علت وجود مبادلات واسطه‌ای بین بخشی ضعیف زیربخش‌های بخش خدمات و سهم نسبی بالای آنها در تقاضای نهایی و ارزش افزوده می‌باشد.

دو: در میان زیربخش‌های بخش اول مشاهده می‌گردد که تنها ۳ بخش از ۱۴ بخش در گروه بخش‌های کلیدی قرار می‌گیرند که آنها نیز از گروه کشاورزی هستند (خدمات کشاورزی و دامپروری، دامداری و مرغداری).

سه: زیربخش‌های بخش دوم (صنعت، ساختمان و تأمین آب، برق و گاز) ۸۰ درصد از بخش‌های کلیدی (۱۶ بخش از ۲۰ بخش) را به خود اختصاص می‌دهند که گروه صنایع وابسته به کشاورزی دو بخش (ساخت انواع روغن‌ها و چربی‌ها و ساخت چوب و محصولات چوبی و ساخت کالا از نی و خیزران)، گروه صنایع انرژی و اساسی که اساساً ماهیت سرمایه‌بری دارند ۱۲ بخش (ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده، ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده و ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای، ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی، ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای، ساخت محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد، ساخت محصولات اساسی مس، ساخت محصولات اساسی آلومینیوم، ساخت سایر فلزات اساسی و ریخته‌گری فلزات، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات و ساخت مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت) و در گروه زیربنایی ۲ بخش (تولید، انتقال و توزیع برق و جمع‌آوری، تصفیه و توزیع آب) در زمره بخش‌های کلیدی واقع می‌شوند.

جدول ۲ پیوندهای پسین BL و پیشین FL در رویکرد سنتی و رویکرد نوین^{۳۷}

شماره	رویکرد سنتی						رویکرد نوین									
	BL(1)	نرمال (2)	رنجه (3)	FL(4)	نرمال (5)	رنجه (6)	TLD یا BL	میلیمارد ریال (7)	نرمال (8)	درصد ^{۳۸} (9)	رنجه (10)	FL یا TL	میلیمارد ریال (11)	نرمال (12)	درصد (13)	رنجه (14)
1	1,381	-0,931	55	1,828	1,124	24	42282	4,278	3,66	5	50660	5,271	4,27	3		
2	1,359	-0,916	60	1,994	1,072	78	11207	1,195	0,98	23	8706	0,923	0,75	26		
3	1,582	-1,066	31	2,562	1,575	9	8042	-0,85	0,69	31	10250	1,087	0,88	22		
4	1,876	-1,262	11	1,898	1,167	31	4400	4,654	3,8	4	4189	4,398	3,58	5		
5	2,097	-1,412	2	2,257	1,287	16	2897	3,011	2,46	12	27131	2,876	2,32	11		
6	1,718	-1,157	22	1,96	1,074	77	415	-0,44	0,04	93	262	0,02	0,02	94		
7	1,291	-0,869	72	2,47	1,518	11	2265	0,229	0,2	61	2594	0,281	0,21	66		
8	1,652	-1,112	24	1,188	0,72	70	2524	0,268	0,22	58	1886	0,2	0,16	66		
9	1,244	-0,805	65	2,226	1,244	1	952	-0,101	0,08	81	1804	-0,191	-0,16	68		
10	1,029	-0,7	99	1,17	0,719	72	1261	1,517	1,24	19	22449	2,38	1,94	15		
11	1,202	-0,809	90	2,277	1,14	2	126	-0,182	0,15	70	2572	-0,279	-0,21	67		
12	1,225	-0,825	82	2,201	1,168	3	1439	-0,15	0,12	74	8706	0,923	0,75	26		
13	1,298	-0,941	51	2,676	1,625	6	2875	0,209	0,17	67	5175	0,549	0,45	39		
14	1,22	-0,822	84	2,261	1,151	12	920	-0,099	0,08	82	1468	-0,156	-0,12	72		
15	1,24	-0,807	7	1,75	1,076	26	502	0,225	0,14	36	5110	0,522	0,44	40		
16	2,305	-1,552	1	1,272	0,722	54	10215	1,589	1,24	1	77710	8,228	6,7	2		
17	1,222	-0,809	69	1,004	0,617	96	818	-0,086	0,07	85	572	0,061	0,05	86		
18	1,822	-1,275	10	1,606	0,887	22	1272	1,56	1,27	16	14185	1,504	1,22	20		
19	1,427	-0,968	44	1,221	0,75	65	2502	0,276	0,29	39	1804	-0,191	-0,16	68		
20	1,556	-1,098	25	1,274	0,782	62	2698	0,285	0,22	54	2299	0,244	0,2	60		
21	1,826	-1,226	15	2,17	1,224	20	2919	0,212	0,14	46	2929	0,317	0,24	44		
22	1,651	-1,112	25	2,602	1,539	7	600	0,229	0,22	34	7296	0,782	0,62	32		
23	1,596	-1,075	20	2,588	1,578	8	2192	0,227	0,18	50	4125	0,429	0,36	42		
24	1,552	-1,095	26	1,969	1,21	25	2256	0,281	0,18	12	2876	0,209	0,16	10		
25	1,422	-0,985	42	2,082	1,18	22	2262	0,202	0,17	9	2722	0,225	0,175	6		
26	1,977	-1,211	17	2,25	1,225	15	1231	1,525	1,25	17	17127	1,816	1,28	17		
27	1,627	-1,102	27	1,827	1,126	23	2251	0,228	0,19	62	2225	0,229	0,2	59		
28	1,725	-1,169	21	2,109	1,266	22	2900	0,266	0,25	10	28555	0,277	0,26	9		
29	1,812	-1,22	16	2,262	1,252	12	2582	0,278	0,19	7	2625	0,282	0,215	8		
30	1,291	-0,802	21	2,192	1,229	19	5822	0,215	0,14	25	7225	0,277	0,22	24		
31	1,949	-1,212	5	2,275	1,211	10	2991	0,227	0,12	37	5287	0,56	0,46	28		
32	1,688	-1,127	22	2,14	1,215	21	2062	0,229	0,15	44	4289	0,276	0,23	22		
33	1,726	-1,169	20	1,882	1,022	28	21456	2,277	1,85	14	20588	2,18	1,77	16		
34	1,272	-0,858	78	1,65	1,012	41	10287	1,097	0,9	25	251	0,027	0,02	95		

شماره	رویکرد سنتی			رویکرد نوین				شماره
	رتبه	نرمال	BL(1)	رتبه	درصد ^{۲۸}	نرمال	میلیارد ریال	
	(۳)	(۲)	(۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	
۳۵	۵۳	۰.۹۲۲	۱.۳۸۴	۲۴	-۰.۹۷	۱.۱۸۸	۱۱۲۴۵	۳۵
۳۶	۱۳	۱.۲۴۴	۱.۸۴۸	۴۱	-۰.۳۷	-۰.۴۵۷	۴۳۳۸	۳۶
۳۷	۹۲	۰.۷۹۸	۱.۱۸۵	۹۵	-۰.۰۲	-۰.۲۷	۲۶۰	۳۷
۳۸	۲۹	۱.۰۹۵	۱.۶۲۵	۲۶	-۰.۸	-۰.۹۸۱	۹۲۸۷	۳۸
۳۹	۴۹	۰.۹۴۵	۱.۴۰۲	۵۹	-۰.۲۱	-۰.۲۵۲	۳۳۸۱	۳۹
۴۰	۶۷	۰.۸۹۱	۱.۳۲۲	۷۸	-۰.۰۹	-۰.۱۰۷	۱۰۱۶	۴۰
۴۱	۹۴	۰.۷۸۶	۱.۱۶۸	۸۷	-۰.۰۶	-۰.۷۷	۷۲۲	۴۱
۴۲	۱۴	۱.۳۲۹	۱.۸۴	۱۱	۲.۳۸	۳.۰۴	۲۸۷۷۵	۴۲
۴۳	۳۳	۱.۰۹۳	۱.۵۷۹	۴۹	-۰.۳۹	-۰.۳۵۸	۳۳۸۹	۴۳
۴۴	۱۹	۱.۳۰۵	۱.۷۸۹	۵۵	-۰.۳۳	-۰.۳۸۴	۳۶۸۹	۴۴
۴۵	۹	۱.۳۸۳	۱.۹۰۵	۵۷	-۰.۳۲	-۰.۳۶۹	۳۵۴۹	۴۵
۴۶	۶	۱.۳۰۷	۱.۹۴۱	۱۵	۱.۸۲	۲.۳۳۸	۲۱-۸۲	۴۶
۴۷	۵۹	۰.۹۳۳	۱.۳۷۱	۳۳	-۰.۳۶	-۰.۴۳۷	۴۱۴۰	۴۷
۴۸	۳۸	۱.۰۹۵	۱.۶۳۷	۲۰	-۰.۳۸	-۰.۴۷	۴۴۴۸	۴۸
۴۹	۸	۱.۳۹	۱.۹۱۵	۸	۲.۹۹	۳.۶۶۶	۳۴۶۹۳	۴۹
۵۰	۴	۱.۳۴	۱.۸۸۹	۳	۴.۲۹	۵.۲۶۱	۴۹۷۹۳	۵۰
۵۱	۷۶	۰.۸۶۲	۱.۲۸	۴	۶.۲۱	۷.۷۳۲	۷۳۱۸۰	۵۱
۵۲	۵۸	۰.۹۲۸	۱.۳۷۸	۲۰	۱.۰۳	۱.۳۶۷	۱۱۹۹۰	۵۲
۵۳	۳۴	۱.۰۵۱	۱.۵۶	۶۶	-۰.۳۶	-۰.۱۹۸	۱۸۷۰	۵۳
۵۴	۱۲	۱.۳۴۶	۱.۸۵	۲۳	۱	۱.۳۳۳	۱۱۵۶۶	۵۴
۵۵	۵۴	۰.۹۲۱	۱.۳۸۳	۶۷	-۰.۱۶	-۰.۱۹۷	۱۸۶۱	۵۵
۵۶	۳۷	۱.۰۴۲	۱.۵۴۸	۲۷	-۰.۸	-۰.۸	۳۲۷۵	۵۶
۵۷	۵۰	۰.۹۴۴	۱.۴۰۲	۶	۳.۳۹	۴.۱۴۹	۳۹۲۶۹	۵۷
۵۸	۳۲	۱.۰۶۴	۱.۵۸	۸۹	-۰.۰۵	-۰.۰۵۷	۵۲۰	۵۸
۵۹	۲۶	۱.۱۰۴	۱.۶۳۹	۲۹	-۰.۷۲	-۰.۸۸۲	۸۳۴۲	۵۹
۶۰	۳	۱.۳۵۵	۲.۰۱۱	۳۳	۰.۵۳	۰.۶۳۲	۶۰۹۳	۶۰
۶۱	۶۲	۰.۹۱۱	۱.۳۵۲	۳۲	-۰.۴۲	-۰.۷۸۸	۷۲۵۵	۶۱
۶۲	۷۷	۰.۸۶۱	۱.۲۷۸	۵۲	-۰.۳۶	-۰.۳۱۸	۳۰۱۲	۶۲
۶۳	۷۹	۰.۸۵۷	۱.۲۷۳	۲۱	۱.۰۳	۱.۳۶۷	۱۱۹۸۹	۶۳
۶۴	۹۷	۰.۷۵۷	۱.۱۲۴	۶۹	-۰.۱۵	-۰.۱۸۵	۱۷۵۳	۶۴
۶۵	۴۵	۰.۹۸۸	۱.۴۳۷	۴۴	-۰.۱۸	-۰.۲۱۵	۲۰۳۱	۶۵
۶۶	۸۵	۰.۸۲	۱.۲۱۷	۱۸	۱.۳۴	۱.۵۱۹	۱۴۳۷۸	۶۶
۶۷	۸۸	۰.۸۱۸	۱.۲۱۴	۵۲	-۰.۳۶	-۰.۳۳۱	۳۰۴۱	۶۷
۶۸	۴۸	۰.۹۶۲	۱.۳۳۸	۳۸	-۰.۳۹	-۰.۴۸۲	۴۵۶۰	۶۸
۶۹	۸۷	۰.۸۱۹	۱.۲۱۶	۹۳	-۰.۰۴	-۰.۰۴۴	۴۱۶	۶۹
۷۰	۷۲	۰.۸۷۱	۱.۳۹۲	۷۷	۰.۱	۰.۱۲۲	۱۱۵۷	۷۰
۷۱	۹۵	۰.۷۷۴	۱.۱۴۹	۷۵	-۰.۱۱	-۰.۱۳۸	۱۳۰۴	۷۱
۷۲	۶۶	۰.۸۹۸	۱.۳۳۲	۶۸	-۰.۱۶	-۰.۱۹۳	۱۸۳۰	۷۲
۷۳	۸۱	۰.۸۳۳	۱.۳۵۱	۲۰	-۰.۷۲	-۰.۸۸	۸۳۳۶	۷۳
۷۴	۸۰	۰.۸۳۳	۱.۳۵۲	۳۲	-۰.۳۶	-۰.۴۴۶	۴۳۲۴	۷۴

شماره	رویکرد سنتی			رویکرد نوین			
	رتبه	نرمال	FL(۴)	رتبه	نرمال	درصد ^{۳۸}	رتبه
BL(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
Tls(۱)	FL	FL	FL	FL	FL	FL	FL
رتبه	درصد	نرمال	میلیارد	رتبه	درصد	نرمال	میلیارد
(۱۴)	(۱۳)	(۱۲)	ریال	(۱۰)	(۹)	(۸)	ریال
(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)
۷۶	۱.۳۷۷	-۰.۰۷	۶۴	۱.۰۱۴	-۰.۶۲۳	۹۲	۸۴۱۵
۷۷	۱.۳۷۹	-۰.۲۲۹	۵۶	۱.۰۱۷	-۰.۶۲۵	۸۹	۳۱۲۷
۷۸	۱.۳۸۳	-۰.۸۶۴	۷۵	۱	-۰.۶۱۵	۹۹	۴۱۵
۷۹	۱.۳۰۱	-۰.۳۴۲	۹۸	۱.۰۰۱	-۰.۶۱۵	۹۷	۹۵۵
۸۰	۱.۵۱۷	۱.۰۲۲	۳۸	۱.۰۲۱	-۰.۶۲۷	۸۵	۱۸۹
۸۱	۱.۱۳	-۰.۷۶۱	۹۶	۱.۰۰۶	-۰.۶۱۸	۹۴	۱۴۹۱
۸۲	۱.۴۳۵	۰.۹۶۶	۴۶	۱.۰۱۸	-۰.۶۲۶	۸۷	۵۳۵
۸۳	۱.۳۵۱	-۰.۹۱	۶۳	۱.۰۲۷	-۰.۶۲۱	۸۳	۲۱۱۸
۸۴	۱.۳۱۲	-۰.۸۱۶	۸۹	۱.۰۰۵	-۰.۶۲۵	۸۱	۸۶۳
۸۵	۱.۳۹	-۰.۳۲۶	۵۲	۱.۳۶۳	-۰.۷۷۶	۶۳	۷۰۵
۸۶	۱.۳۵۸	-۰.۹۱۵	۶۱	۱.۲۹۲	-۰.۷۹۴	۶۰	۹۷۲
۸۷	۱.۴۵	-۰.۹۷۷	۴۳	۱.۰۱۱	-۰.۶۲۱	۹۳	۳۴۶۳
۸۸	۱.۴۹۷	۱.۰۰۸	۴۰	۱.۰۱۸	-۰.۶۲۶	۸۸	۱۹۱۳
۸۹	۱.۳۳۲	-۰.۸۹۱	۶۸	۱.۰۱۹	-۰.۶۲۶	۸۶	۱۶۶۱
۹۰	۱.۳۴	-۰.۷۹۱	۹۳	۱.۰۶۸	-۰.۶۵۶	۸۰	۱۷۰۱
۹۱	۱.۳۴۵	-۰.۸۲۹	۸۲	۱.۰۱۶	-۰.۶۲۵	۹۰	۲۹۱
۹۲	۱.۳۸۸	-۰.۸	۹۱	۱.۷۵۲	-۰.۷۷۷	۳۵	۲۴۲
۹۳	۱.۳۲۲	-۰.۶۶۵	۴۷	۱.۰۳۷	-۰.۶۲۳	۸۲	۷۷۸
۹۴	۱.۷۳۳	۱.۲۰۷	۱۸	۱.۴۴۷	-۰.۸۸۹	۲۴	۲۰۰۵
۹۵	۱.۳۱۲	-۰.۸۸۳	۷۰	۱.۳۱۵	-۰.۷۲۷	۶۶	۱۱۷۵
۹۶	۱.۵۰۴	۱.۰۱۳	۳۹	۱.۰۷۵	-۰.۶۶۱	۷۹	۳۱
۹۷	۱.۳۱۷	-۰.۸۲	۸۶	۱.۰۲۱	-۰.۶۲۷	۸۴	۲۳۷
۹۸	۱.۳۷۸	-۰.۹۲۸	۵۷	۱.۳۶۵	-۰.۸۳۹	۵۵	۹۴۰
۹۹	۱.۳۸۸	-۰.۸۶۸	۷۴	۱.۳۵۷	-۰.۸۳۴	۵۷	۲۳۷۴

منبع نتایج بر مبنای روش شناسی رویکرد سنتی و نوین پیوندها (آزاد ۱۳۸۶: فصل ۳) و غیره و بر اساس جدول ۹۹ بخشی استخراج شده‌اند. پرو. گام علوم انسانی و مطالعات تربیتی

چهار: در بخش سوم، تنها بخش حمل و نقل آبی از زیربخش خدمات توزیعی در زمره بخش های کلیدی قرار گرفته است.

پنج: بخش های پیشرو یعنی بخش استخراج ذغال سنگ و لینییت که طرف عرضه رتبه نخست پیوند پیشین و بخش ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی ها که در طرف تقاضا رتبه نخست پیوند پسین را دارند نیز در زمره بخش های کلیدی قرار نمی گیرند. در رویکرد نوین که اهمیت اندازه نسبی هر بخش علاوه بر مبادلات واسطه ای بین بخشی و ماتریس ضرایب آن، به اندازه واقعی تقاضای نهایی و اندازه واقعی ارزش افزوده هر بخش نیز وابسته است، ۲۰ بخش از ۹۹ بخش (ستون های ۸ و ۱۲ جدول ۲) دارای پیوند کل یا پسین

(TLd) همراه به پیوند کل یا پیشین (TLs) بیشتر نسبت به متوسط کل اقتصاد می‌باشند و بنابراین جزء بخش‌های کلیدی محسوب می‌شوند. مشاهدات کلی نتایج بر مبنای بخش‌های سه‌گانه کل اقتصاد و زیربخش‌های آنها عبارت‌اند از:

یک: ارقام ستون‌های ۸ و ۱۲ اثرات واقعی^{۱۴} (پیوندهای کل) است. این ارقام مقدار کاهش تولید کل اقتصاد ناشی از حذف همزمان خرید آن بخش از سایر اقتصاد و فروش آن بخش به سایر اقتصاد (با حفظ مبادلات درون بخشی آن) را بر مبنای LDM و GSM آشکار می‌کنند. تحت این شرایط ملاحظه می‌گردد که بیشترین کاهش تولید در کل اقتصاد مربوط به حذف بخش ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها (بخش ۱۶) به ارزش ۱۰۰۲۱۵ میلیارد ریال بر مبنای الگوهای طرف تقاضای داده‌ستانده لئونیتف (LDM) و بخش عمده فروشی و خرده‌فروشی (بخش ۵۱) به ارزش ۸۴۹۹۹ میلیارد ریال بر مبنای الگوهای طرف عرضه داده‌ستانده گش (GSM) است. همچنین این بخش‌ها به ترتیب رتبه دوم پیوند پیشین و پسین را دارند، بنابراین، بخش‌های پیشرو و کلیدی اقتصاد از نظر رویکرد نوین هستند. کمترین کاهش تولید در کل اقتصاد مربوط به حذف بخش ۹۶ یا کارگزاران خبری به ارزش ۳۱ میلیارد ریال بر مبنای الگوی LDM و ۲۲ میلیارد ریال بر مبنای الگوی GSM است. سایر ارقام ستون‌های ۸ و ۱۲ جدول ۲ را می‌توان به همین منوال تحلیل نمود.

دو: در میان زیربخش‌های بخش اول مشاهده می‌گردد که ۴ بخش از ۱۴ بخش در زمره بخش‌های کلیدی قرار می‌گیرند که ۳ تا از آنها در بخش کشاورزی هستند (زراعت، دامداری و مرغداری) و استخراج نفت خام و گاز طبیعی نیز از بخش معدن در زمره بخش‌های کلیدی است.

سه: در میان زیربخش‌های بخش دوم، گروه صنایع وابسته به کشاورزی دو بخش (ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها و ساخت منسوجات)، گروه صنایع انرژی و اساسی ۷ بخش (ساخت فرآورده‌های نفتی تصفیه‌شده و ذغال کک و عمل‌آوری سوخت‌های هسته‌ای، ساخت موارد و محصولات شیمیایی، ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی، ساخت محصولات کانی غیر فلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد، ساخت محصولات اساسی مس، ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین‌آلات و تجهیزات و ساخت وسائل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر) و در گروه زیربنایی سه بخش (تولید، انتقال و توزیع برق، ساختمان‌های مسکونی و سایر ساختمان‌ها) در زمره بخش‌های کلیدی واقع می‌شوند.

چهار: چهار زیربخش در بخش سوم کلیدی است، دو بخش خدمات توزیعی (بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل جاده‌ای بار)، بخش بانک از خدمات تولیدی و بخش

تعمیر وسائل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی از زیربخش خدمات شخصی. بنابراین، مشاهده می‌شود که بکارگیری رویکرد نوین نسبت به رویکرد سنتی بهتر می‌تواند اهمیت بخش‌های اقتصادی را با توجه به تحولات اقتصاد جهانی آشکار نماید.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل ایستای مقایسه‌ای حساب‌های ملی مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۴۰ که شش دوره تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشخص شده را در برمی‌گیرد، نشان می‌دهد که در دوره اول (۱۳۵۱-۱۳۴۰) تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، اقتصاد ایران در فاز اول توسعه است که سهم بخش اول بالاتر از بخش‌های دوم و خدمات است. دوره دوم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) یا دوره افزایش درآمدهای نفتی تغییرات ساختاری اقتصاد ایران را آشکار می‌کند، بدین معنی که سهم بخش اول کاهش و سهم بخش‌های دوم و خدمات افزایش یافته است به طوری که افزایش نسبی سهم بخش خدمات بیشتر از افزایش نسبی سهم بخش صنعت می‌باشد. در دوره‌های سوم و چهارم ما شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستیم، روند تغییرات ساختاری بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران شبیه به دوره دوم می‌باشد. اگر ملاک ۵۰ درصد متوسط سهم ارزش افزوده به عنوان یک معیار ورود اقتصاد به اقتصاد خدمات محور در نظر بگیریم، اقتصاد ایران در دوره پنجم به صورت صوری وارد یک فاز جدید شده که امروزه به اقتصاد خدمات معروف است و روند تغییرات ساختاری در ایران شبیه دیگر کشورهای در حال توسعه است.^{۲۴}

اما تغییرات ساختاری در زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات تصویر متفاوتی را در دوره‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، بدین معنی که بخش خدمات توزیعی در تمامی دوره‌ها به جز دوره دوم (۱۳۵۶-۱۳۵۲) و دوره سوم (۱۳۶۷-۱۳۵۷) که نقش خدمات اجتماعی بیشتر است، نقش مسلط را در میان زیربخش‌های بخش خدمات در تولید کل اقتصاد ایران دارد. خدمات تولیدی در تمامی این شش دوره روند صعودی دارد به طوری که در دوره پنجم (۱۳۸۳-۱۳۷۶) متوسط سهم آن از متوسط سهم خدمات اجتماعی نیز بالاتر بوده که یکی از دلایل آن می‌تواند گسترش فضای کسب و کار در این دوره در اقتصاد ایران باشد و این روند در دوره ششم (۱۳۸۵-۱۳۸۴) نیز ادامه داشته است. خدمات اجتماعی در دوره اول و دوم تحولات روند صعودی دارد و در دوره دوم و سوم به طور متوسط بالاترین سهم را در میان زیربخش‌های اقتصادی دارد، ولی در دوره چهارم و پنجم تحولات روند نزولی را نشان می‌دهد.

نتایج نشان از ثبات نسبی سهم خدمات شخصی در این پنج دوره است. نتایج تحلیل

ایستای پیوندهای پسین و پیشین (مستقیم و غیرمستقیم) در قالب رویکرد سنتی نشان می‌دهد که ۲۰ بخش ۹۹ بخش جدول داده‌ستانده سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران در زمره بخش‌های کلیدی قرار می‌گیرند که ۶۵ درصد (۱۲ بخش از ۲۰ بخش کلیدی) بخش‌های گروه صنایع انرژی و اساسی تشکیل می‌دهد که بیانگر صنعت محوری اقتصاد ایران با محوریت صنایع سنگین است و تنها یک بخش از زیربخش‌های بخش خدمات بر اساس این معیار در زمره بخش کلیدی می‌گیرند. بنابراین، بکارگیری رویکرد سنتی در اندازه‌گیری اهمیت بخش‌های دارای نارسایی است. یکی از این نارسایی‌ها این است که اهمیت اندازه نسبی هر بخش در چاقوب این رویکرد فقط بر حسب مبادلات واسطه‌ای بین بخشی و ماتریس ضرایب آن است و اندازه تقاضای نهایی و اندازه ارزش افزوده هر بخش به علت تحمیل وزن یکسان واحد عملاً خارج از حیطه سنجش اهمیت اندازه بخش‌ها در قالب رویکرد سنتی قرار می‌گیرد.

نتایج تحلیل ایستای پیوندهای کل (پسین) و کل (پیشین) در قالب رویکرد نوین نشان می‌دهد که ۲۰ بخش ۹۹ بخش جدول داده‌ستانده سال ۱۳۸۰ اقتصاد ایران در زمره بخش‌های کلیدی می‌باشند. خدمات توزیعی (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل جاده‌ای بار)، گروه صنایع وابسته به کشاورزی (ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها و ساخت منسوجات)، گروه کشاورزی (زراعت، دامداری و مرغداری)، گرو زيربنایی (ساختمان‌های مسکونی و سایر ساختمان‌ها) بترتیب در جایگاه‌های نخست قرار می‌گیرند.

بخش‌های گروه صنایع انرژی و اساسی از حیث اهمیت اندازه نسبی در رتبه بعدی قرار دارند و بخش‌های بانک (خدمات تولیدی)، تعمیر وسائل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی (خدمات شخصی) و استخراج نفت خام و گاز طبیعی (معدن) نیز در زمره بخش‌های کلیدی قرار می‌گیرند. بنابراین برخلاف نتایج رویکرد سنتی که بخش‌های گروه صنایع انرژی و اساسی بالاترین رتبه را به عنوان بخش کلیدی به خود اختصاص داده‌اند، نتایج بر مبنای رویکرد نوین و معیارهای آن تصویر متفاوتی از ساختار اقتصاد ایران را به دست می‌دهند که آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های توسعه و گسترش این بخش‌ها موجب افزایش تولید سایر بخش‌ها در کل اقتصاد خواهد شد و چون اندازه اهمیت نسبی بخش‌ها در قالب رویکرد نوین بر مبنای تکنولوژی واسط و تقاضای نهایی و ارزش افزوده بخش‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد، آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم زیربخش‌های چهارگانه بخش خدمات مخصوصاً خدمات توزیعی بهتر نشان داده می‌شود که نشان از خدمات محوری اقتصاد ایران است.

پی نوشت ها:

۱- Primary Sector

۲-Secondary Sector

۳- در کلیه مطالب این مقاله بخش سوم (Tertiary Sector) برابر با بخش خدمات (Services Sector) می باشد.

۴-Stage-Theory of Development

۵-Katouzian, ۱۹۷۰

۶-Gershuny & Miles, ۱۹۸۳

۷-Park & Chan, ۱۹۸۹

۸-Miles & Boden, ۲۰۰۰

۹-productive Services

۱۰-Distributive Services

۱۱-Social Services

۱۲-Personal Services

۱۳- براساس توزیع اشتغال ۱۰ساله و بیشتر سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ سهم اشتغال بخش خدمات بالاتر از دیگر بخش های عمده اقتصادی است به طوری که در سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵ بیش ۵۰ درصد از شاغلان کشور در بخش سوم (فعالیت های غیرملموس) شاغل هستند که خود مؤلفه ای از ورود به اقتصاد خدمات است (آزاد، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۱۴-John Maynard Keynes

۱۵-Colin Clark

۱۶- نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی فردریک لیست اقتصاد دان مکتب تاریخی آلمان در آثارش از لفظ نظریه سطح توسعه استفاده کرد ولی کلارک و فیشر بودند که مفهوم آن را مشخص نمودند (کاتوزیان ۱۹۷۰: ۳۶۰). نخستین بار فیشر (۱۹۳۳) و کلارک (۱۹۴۰) بودند که کل فعالیت های اقتصادی به سه بخش عمده اول، دوم و سوم تقسیم کردند. فعالیت های اول معمولاً شامل فعالیت های که کالاها را مادی را به صورت مواد خام از محیط (طبیعت) بدست می آوریم شامل فعالیت های کشاورزی و استخراج معدن است، بخش دوم معمولاً شامل فعالیت های که مواد خام را به کالاها فیزیکی و مصنوعات تبدیل کنیم و شامل فعالیت های صنعت و ساختمان، زیر بنایی و تأمین آب و برق می شود. بخش خدمات یا سوم و فعالیت های مرتبط به آن به صورت پسماند در نظر گرفته شد. یعنی اینکه، آن دسته از فعالیت هایی که خصوصیات فعالیت های بخش اول و دوم را نداشته باشند، به عنوان خدمات در بخش خدمات در نظر گرفته می شوند (میلز و بودن، ۲۰۰۰: ۳).

۱۷-Simon Kuznets

۱۸-The New Services

۱۹-Complementary Services

۲۰-The Old Services

۲۱- خدمات جدید شامل: آموزش، فعالیت های مدرن داروئی و درمانی (بهداشت و سلامتی)، فعالیت های سرگرمی و فرهنگی و پذیرائی مانند: سینما، رستوران، هتل و مراکز تفریحی و سرگرمی و دیگر خدمات [خدمات حرفه ای]: خدمات مکمل شامل: امور بانکی و مالی، حمل و نقل و عمده فروشی و خرده فروشی و خدمات قدیم شامل: خدمات شخصی یا خانگی است (کاتوزیان ۱۹۷۰: ۹-۳۶۵).

۲۲-Marketed Services

۲۳-Nonmarketed Services

۲۴-Deindustrialization

۲۵- برای اطلاعات بیشتر در مورد صنعت زدایی به (سینگ، ۱۹۸۹: ۱۰۳ و ۱۹۷۷: ۱۱۳)، (کانسچر و پرسونیک، ۱۹۸۶: ۴-۷)، (پارک و چان، ۱۹۸۹: ۱۹۹)، (انصاری، ۱۹۹۵: ۳۳۸) و (میلز و بودن، ۲۰۰۰: ۵-۴) مراجعه کنید.

۲۶-Knowledge-based Economy

۲۷- اولین برنامه توسعه (عمرانی) ایران مربوط به ۱۳۲۷ شمسی می باشد، ولی چون در دو برنامه هفت ساله نخست ایران آمار رسمی حساب های ملی وجود ندارد، تحولات را از ۱۳۴۰ بررسی می کنیم.

۲۸- مصرف انبوه از ویژگی های کشورهای پیشرفته صنعتی است، ولی در دوره دوم اقتصاد ایران به دلیل واردات بالای کالاهای مصرفی و لوکس و بالا رفتن غیرعادی مصرف که ناشی از انفجار عایدات نفتی بود را دوره "مصرف انبوه" گویند و در واقع خصوصیات متفاوتی با جوامع پیشرفته دارد. ترکیب مصرف انبوه، رشد غیرعادی بخش خدمات به ویژه واسطه گری ها، اتکاء به درآمد نفت، نهادهای ضدتولیدی، لوکس بودن دانایی، وابستگی فزاینده همراه با وابستگی به مسیر طی شده و فقر و عقب ماندگی فزاینده همراه با دوگانگی ها از جمله مسائل مهم این دوره است.

۲۹- همانند تجربه فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه، ایران نیز بدون گذر از فاز دوم توسعه، به شکل صوری وارد فاز سوم توسعه شده است. کشورهای توسعه یافته تجربه فازهای دوم و سوم توسعه بر پایه گسترش بنیه تولیدی می باشد و در واقع تجربه فازهای دوم و سوم توسعه را به طور کامل داشته اند اما کشورهای در حال توسعه ای مثل ایران به خاطر تکیه به اقتصاد تک محصولی، عوامل برونزا و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی خاص خود به صورت ظاهری تجربه فاز سوم توسعه را داشته اند.

۳۰-LDM : Leontief's Demand side Input Output Model

۳۱-GSM : Ghosh's Supply side Input Output Model

۳۲- برای آگاهی از شرح کامل محاسبه پیوندهای پسین و پیشین در قالب رویکردهای سنتی و نوین می توانید به (بانوئی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶-۸)، (آزاد، فصل سوم: ۱۳۸۶)، (آندرسو و یو، ۲۰۰۴: ۳-۱۷۱) و (میلز و لر، ۲۰۰۱: ۱۷-۴۱۳) مراجعه کنید.

۳۳-Use table - Absorption matrix

۳۴-Supply table - Make matrix

۳۵-BL: Backward Linkage

۳۶-FL: Forward Linkage

۳۷- (عنوان بخش ها: ۱) زراعت (۲) باغداری (۳) خدمات کشاورزی و دامپروری (۴) دامداری (۵) مرغداری (۶) زنبور داری و پرورش کرم ابریشم و شکار (۷) جنگلداری (۸) ماهیگیری (۹) استخراج ذغال سنگ و لینیت (۱۰) استخراج نفت خام و گاز طبیعی (۱۱) استخراج سنگ آهن (۱۲) استخراج سنگ مس (۱۳) استخراج مواد و سنگ های ساختمانی (۱۴) استخراج سایر کانی های فلزی و غیر فلزی (۱۵) ساخت انواع روغن ها و چربی ها (۱۶) ساخت سایر محصولات غذایی و انواع آشامیدنی ها (۱۷) ساخت محصولات از توتون و تنباکو (۱۸) ساخت منسوجات (۱۹) ساخت پوشاک، عمل آوری و رنگ کردن پوست خردار (۲۰) دباغی و پرداخت چرم، ساخت چمدان، کیف دستی، زین و براق و ساخت انواع پاپوش (۲۱) ساخت چوب و محصولات چوبی، و ساخت کالا از نی و خیزران (۲۲) ساخت کاغذ و محصولات کاغذی (۲۳) انتشار، چاپ و تکثیر رسانه های ضبط شده (۲۴) ساخت فرآورده های نفتی تصفیه شده و ذغال کک و عمل آوری سوخت های هسته ای (۲۵) ساخت مواد و محصولات شیمیائی (۲۶) ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی (۲۷) ساخت شیشه و محصولات شیشه ای (۲۸) ساخت محصولات کانی غیر فلزی طبقه بندی نشده در جای دیگر (۲۹) ساخت محصولات اساسی آهن و فولاد (۳۰) ساخت محصولات اساسی مس (۳۱) ساخت محصولات اساسی آلومینیوم (۳۲) ساخت سایر فلزات اساسی و ریخته گری فلزات (۳۳) ساخت محصولات فلزی فابریکی به جز ماشین آلات و تجهیزات (۳۴) ساخت ماشین آلات با کاربرد عام (۳۵) ساخت ماشین آلات با کاربرد

خاص ۳۶) ساخت وسایل خانگی ۳۷) ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی ۳۸) ساخت ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر ۳۹) ساخت رادیو، تلویزیون و دستگاه ها و وسایل ارتباطی ۴۰) ساخت ابزار پزشکی ۴۱) ساخت ابزار آبتیکی و ابزار دقیق، ساعت های مچی و انواع دیگر ساعت ۴۲) ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر ۴۳) ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل ۴۴) ساخت مبلمان ۴۵) ساخت مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر و بازیافت ۴۶) تولید، انتقال و توزیع برق ۴۷) پالایش و توزیع گاز طبیعی ۴۸) جمع آوری، تصفیه و توزیع آب ۴۹) ساختمان های مسکونی ۵۰) سایر ساختمان ها ۵۱) عمده فروشی و خرده فروشی ۵۲) تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی ۵۳) اقامتگاه های عمومی ۵۴) محل های صرف غذا و نوشیدنی ۵۵) حمل و نقل با راه آهن ۵۶) حمل و نقل جاده ای مسافر ۵۷) حمل و نقل جاده ای بار ۵۸) حمل و نقل از طریق خطوط لوله ۵۹) حمل و نقل آبی ۶۰) حمل و نقل هوایی ۶۱) خدمات پشتیبانی و کمکی حمل و نقل ۶۲) پست و مخابرات ۶۳) بانک ۶۴) سایر واسطه گیری های مالی ۶۵) بیمه ۶۶) خدمات واحدهای مسکونی شخصی ۶۷) خدمات واحدهای مسکونی اجاره ای ۶۸) خدمات واحدهای غیر مسکونی ۶۹) خدمات دلالان املاک و مستغلات ۷۰) کرایه ماشین آلات و تجهیزات بدون اپراتور و کرایه کالاهای شخصی و خانگی ۷۱) کامپیوتر و فعالیت های مربوط به آن ۷۲) تحقیق و توسعه ۷۳) سایر فعالیت های کسب و کار ۷۴) اداره امور عمومی ۷۵) خدمات شهری ۷۶) امور دفاعی ۷۷) امور انتظامی ۷۸) تامین اجتماعی اجباری ۷۹) آموزش ابتدائی دولتی ۸۰) آموزش ابتدائی خصوصی ۸۱) آموزش متوسطه عمومی و فنی و حرفه ای دولتی ۸۲) آموزش متوسطه عمومی و فنی و حرفه ای خصوصی ۸۳) آموزش عالی دولتی ۸۴) آموزش عالی خصوصی ۸۵) آموزش بزرگسالان و سایر دولتی ۸۶) آموزش بزرگسالان و سایر خصوصی ۸۷) فعالیت های بیمارستانی دولتی ۸۸) سایر فعالیت های بهداشتی و درمانی دولتی ۸۹) فعالیت های بیمارستانی خصوصی ۹۰) فعالیت های پزشکی و دندانپزشکی خصوصی ۹۱) سایر فعالیت های بهداشتی و درمانی خصوصی ۹۲) دامپزشکی ۹۳) مددکاری اجتماعی ۹۴) خدمات مذهبی سیاسی ۹۵) سینما، رادیو، تلویزیون و سایر فعالیت های هنری ۹۶) کارگزاران خبری ۹۷) کتابخانه، موزه و سایر فعالیت های فرهنگی ۹۸) فعالیت های ورزشی و تفریحی ۹۹) سایر خدمات.

۳۸- درصد اثر نسبی (Percent Relative Effect) در واقع نسبت اثرات واقعی (پیوندهای کل) به مجموع ستانده کل رشته فعالیت های اقتصادی جداول داده ستانده را مورد سنجش قرار می دهد که معمولاً به صورت درصد بیان می شود.

۳۹- بر مبنای روش معروف راسموسن نرمال شده اند.

۴۰- در جدول داده ستانده ۹۹ بخشی، بخش اول (بخش های ۱ تا ۱۴ جدول) شامل زیربخش کشاورزی (۱ تا ۸) و زیربخش معدن (۹ تا ۱۴)، بخش دوم شامل بخش های ۱۲ تا ۴۷ جدول که زیربخش صنعت (۱۵ تا ۴۵) شامل دو گروه صنایع وابسته به کشاورزی (۱۵ تا ۲۱) و صنایع انرژی و اساسی (۲۱ تا ۴۵)، گروه زیربنایی (۴۶ تا ۵۰) شامل زیربخش تأمین آب، برق و گاز (۴۶ تا ۵۰) و ساختمان (۵۱ و ۵۲) و بخش سوم شامل بخش های ۴۸ تا ۵۱ جدول به زیربخش های خدمات تولیدی (۶۳ تا ۷۳)، خدمات توزیعی (۵۱ و ۵۲ تا ۶۲)، خدمات شخصی (۵۲ تا ۵۴) و (۹۵ تا ۹۹) و خدمات اجتماعی (۷۴ تا ۹۴) تفکیک شده است.

۴۱- Absolute Effect

۴۲- برای ملاحظه روند دیگر کشورهای درحال توسعه می توانید به (انصاری، ۱۹۹۵: ۷-۲۳۴)، (کوما و ناتار، ۱۹۹۶: ۴۸-۴۲)، (بهومیک، ۲۰۰۰: ۱۶۴)، (هانسدا، ۲۰۰۰: ۵-۸۴) و (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳: ۹۵) مراجعه کنید.

فهرست منابع

- آزاد، سیدایمان، بررسی کمی جایگاه بخش خدمات و زیربخش های آن در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی اصغر بانویی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۶.
- بانویی، علی اصغر، جلوداری ممقانی، محمد و محقق، مجتبی، اهمیت زنجیره های تولید در شناسایی بخش های کلیدی بر مبنای رویکردهای سنتی و نوین طرفهای تقاضا و عرضه اقتصاد، فصلنامه پژوهش های اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- بانویی، علی اصغر (مجری طرح)، محاسبه جدول داده ستانده استان گلستان و کاربردهای اقتصادی و اجتماعی آن در سیاستگذاری های استان، گزارش طرح پژوهشی مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، فصل دوم، ۱۳۸۶.
- بانویی، علی اصغر، مؤمنی، فرشاد و آزاد، سیدایمان، تحلیل های ساختاری صنعت و خدمات با تأکید بر خدمات تولیدی و اقتصاد جدید تجربه ایران و بعضی از کشورهای منتخب، فصلنامه پژوهش های اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس (در حال بررسی)، ۱۳۸۷.
- بل، دانیل، آینده تکنولوژی، مترجم: علیقلیان، احد، انتشارات وزارت امور خارجه (کتاب جمهور)، تهران، ۱۳۸۲.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم توسعه، تهران، ایران، ۱۳۸۴.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران (۸۱-۱۳۵۶)، تهران، ایران، ۱۳۸۳.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مبنای نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، تهران، ایران، ۱۳۸۳.
- عظیمی، حسین، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، محمد علی، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: نفیسی، محمد رضا و عزیز، کامبیز، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- کوزنتس، سیمون (۱۳۷۲) رشد نوین اقتصادی، ترجمه: قره باغیان، مرتضی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
- مایر، جرالد.ام و سیرز، دادلی، پیشگامان توسعه، مترجمین: هدایتی، سید علی اصغر و یاسری، علی، انتشارات سمت، چاپ اول، ص: ۷۹-۱۶۵، ۱۳۶۸.
- مرکز آمار ایران، جدول داده ستانده اقتصاد ایران ۱۳۸۰، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
- مرکز آمار ایران، حساب های ملی ایران دوره ۶۹-۱۳۴۰ به قیمت جاری و ثابت، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
- مرکز آمار ایران، حساب های ملی ایران دوره ۸۵-۱۳۷۰ به قیمت جاری و ثابت، تهران، ایران، ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی:

- Andreosso-O'Callaghan. B. and Yue, Guoqiang. (2004), "Intersectoral Linkages and Key Sectors in China 1987-1997-An Application of Input-output Linkage Analysis", Asian Economic Journal, Vol.18, Issue.2, pp.165-206.
- Ansari ,M.A.(1995), "Explaining the Service Sector Growth", Journal of Asian Economics, Vol. 6, No. 2, 1995, pp. 233-246.
- Bhowmik ,R.(2000), "Role of Services Sector in India Economy : An Input-output Approach", Artha Vijnana , Vol : XLII , No 2 , pp : 158-169 .
- Cella, G. (1984) "The Input-output measurement of Interindustry Linkages", Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 46, 1, pp.73-84.

- Cenery,H.B. etal.(1986)"Industrialization and Growth: A Comparative Study, Oxford University Press.
- Daniels.P.W. (2004), "Reflections on the 'Old Economy', 'New Economy' and Services", *Grows & Chang*, 35(2):115-138.
- Dietzenbacher, Erik and Jan A. van der Linden. (1997),"Sectoral and Spatial Linkages in the EC Production Structure," *Journal of Regional Science*, 37,pp.235-257.
- Dietzenbacher, Erik, Jan A. van der Linden, and Albert E. Steenge.(1993), "The Regional Extraction Method: EC Input-Output Comparisons," *Economic Systems Research*, 5,pp.185-206.
- Drejer, I. (2002), "Business Services as a Production Factor", *Economics Systems Research*, Vol.14, No.4, pp.389-405.
- Hansda, S.K. (2001)"Sustainability of Service-Led Growth: An Input-Output Analysis of the India Economy" Reserve Bank of India Occasional Papers, Vol: 22, Nos: 1, 2&3, Mansoon & Winter, pp.73-118.
- Katouzian, M.A. (1970) "The Development of the Service Sector: a New Approach " *Oxford Economic Papers*, vol 22 no.3, pp. 362-382.
- Kumar, M.S. & Mathur. A (1996) " From Tertiary Sector to Service : Some Conceptual Issues & The Indian Scenario" , *The India Journal of Labour Economics* , Vol 39 , No 1 , pp. 33-60.
- Kutscher, R.E. & Personick,V.A. (1986)" Deindustrialization and the shift to services" *Monthly Labor Review*, June , pp. 3-13 .
- Miles, Ian & Boden, Mark (2000) "Services & The Knowledge Based Economy" , *Continuum* , London , Chapter One .
- Miller, R.E. & Lahr, M. L. (2001) , "A Taxonomy Of Extractions" ,(eds)Regional Science Perspectives In Economic Analysis: A Festschrift In Memory of Benjamin H. Stevens, Michael L. Lahr, Ronald E. Miller, eds., Elsevier Science, pp. 407-441.
- Park, S.H. & Chen, K. (1989) " A Cross-Country Input-Output Analysis of Intersectoral Relationships between Manufacturing & Services & their Employment Implications " *World Development* ,Vol.17 , No 2 , pp : 199-212 .
- Singh, A. (1977)"U.K. Industry and the World Economy: A Case of De-industrialization?" , *Cambridge Journal of Economics*, 1, pp.113-137.
- Singh, A. (1989), "Third World Competition and De-industrialization in Advanced Countries", *Cambridge Journal of Economics*,No.13, pp.103-120.
- Singh, S. (2006), "Definition, Classification & Tradability of Services", *Man & Development*, Vol. 28, No.1, pp.77-90.